



مردی و آوازه‌اش

برنامه ماه گذشته «فیلارمونیک‌هاال» که حاوی مطالب بسیاری دربارهٔ لئونارد برنشتاین، عقاید هنری و موقعیتش در جهان موسیقی میباشد، اخیراً انتشار یافته است.

این نشریه شامل جزئیات برنامه دو هفته‌گی وی در فیلارمونیک نیویورک که مدیریت موسیقی آن نیز بعهده خود اوست میباشد. این برنامه شامل چهار کنسرت، سنفونی اول «روبرتو گرهارد»، اورتوری از «روسینی» و کنسرتوی سیبلیوس در هفته اول و اجرای «مارتینو کنسرتو» در خلال آهنگهایی از شوپن و راول در هفته دوم.

در طی همین مدت دو برنامه تلویزیونی هم برای برنشتاین و ارکستر او در نظر گرفته بودند که اولی برنامه‌ای بود تحت عنوان «ریتم» برای علاقمندان به موسیقی سنگین و دومی «کنسرتی برای جوانان» که سه نفر رهبر تازه کار بنوبت هدایت ارکستر را بعهده گرفتند و چهار پیانیست جوان در شمار سولیست‌ها برنامه خود را اجرا نمودند.

این برنامه‌ها چون دریک تلویزیون تجارتمی انجام میشد خود موفقیت
مفتنی بود، چون میلیونها نفر این برنامه‌ها را دیدند و همین باعث شد که
کلیه بلیطهای مربوط به کنسرت‌های فیلامونیک هال، پیش فروش شود.
«لئونارد برنشتاین» که قرار است در ماه جاری، بمناسبت صدوپنجاهمین
سال تأسیس انجمن سلطنتی فیلامونیک، با ارکستر خود بلندن سفر کند،
در حال حاضر سرشناس‌ترین شخصیت موسیقی امریکاست. برنشتاین مردی
۴۴ ساله است که در پناه مقام برجسته‌اش قدرت بیسابقه‌ای یافته و میتواند با
این جالات و عقاید، دوستداران موسیقی را در امریکا تحت تأثیر قرار دهد،
کاری که تاکنون سابقه نداشته است. بكمك او قطعات مدرن در برنامه‌های
فیلامونیک راه مییابند. اگر چه این قطعات را با اجرای آثار قدیمی
حمایت میکند ولی این موضوع همیشه صادق نیست، و بقول خود او:
«اینها کسی را مجروح نمیکند چون فقط موسیقی است!»

در حال حاضر سه كمك رهبر جوان در انجمن فیلامونیک نیویورک فعالیت
می کنند و چون برنشتاین میدانند موقعیتهائی این چنین مثل شاگردی وی نزد
«سرژ کوسه ویتسکی» و «ارتور روزینسکی» نادر است و بخاطر آنکه
روزگاری خودش پیانیست جوانی بوده احتیاج آنانرا به شهرت و سرشناسی
کاملا می فهمد.

برنشتاین ارکستر خود را در برنامه‌های تلویزیونی شرکت میدهد چون
استعداد زیادی در القاء لذت و جذب موسیقی در شنوندگان، بدون آنکه
از ارزش هنری آن بکاهد، دارد. *مطالعات هنری*
برای آنکه بچه‌ها موسیقی را درك کنند «فوک» باخ را بیک دستگاہ
مکانو، سنفونی هایدن را به توله سگی چالاک و بولروی راول را به رقص
مجلسی بزرگ منشانه‌ای تشبیه میکند. البته بطوریکه این مقایسه‌ها در واقع
ترجمان زبان موسیقی است نه تشبیهات ساختگی. زمانیکه از «باخ»
آهنگساز مورد علاقه‌اش صحبت میکند خود چنان تحت تأثیر قرار میگیرد
که با وجود بیان ساده‌اش این هیجان به تماشاگران تلویزیون نیز سرایت
مینماید و تعجب میکنند که چگونه این مرد معمولی میتواند با چنین لحن
ساده‌ای از «سان ماتیو» ی باخ بدین نحو تحسین آمیز و مؤثر سخن
گوید.



چهار فصل پیش ناقدان موشکاف تلویویزن نیور یورک با تفاق نمایش و کنفرانس برنشتاین را در مورد سنفونی نهم بتهوون، یکی از درخشانترین لحظات تاریخ تلویویزن دانستند. و بدین ترتیب در خلال سالهای ۵۹-۱۹۵۸، پس از اعلام رهبری برنشتاین میزان علاقمندان به کنسرت های فیلارمونیک به نسبت بیست درصد بالا رفت.

در فصل هنری قبل صدلیهای تالار کنسرت بطور متوسط نود و هشت درصد، بهنگام کنسرت های برنشتاین، پر بود و این اقبال از جانب عامه مردم حتی در زمان توسکائینی هم وجود نداشته است.

در سپتامبر گذشته ساختمان پانزده میلیون دلاری فیلارمونیک هال که خانه جدیدی برای این ارکستر بود افتتاح شد و فوراً کلیه بلیطهای تالار برای تمام کنسرت های ۱۹۶۳ بفروش رفت و شهرت ناشی از گشایش تالار جدید بر قدرت برنشتاین افزود. ارکسترهای سنفونی فیلادلفیا و بوستون هم که قرار بود در این سالن برنامه‌هایی اجراء نمایند با موفقیت کلیه بلیطهای خود را قبل از شروع بفروش رساندند و این امر تا کنون بی سابقه بوده است. از طرفی در کارنگی هال خانه سابق ارکستر فیلارمونیک نیز همچنان برنامه‌های گوناگونی اجراء میشود و این شور و هیجان در تمامی خاک امریکا عمومیت یافته است. همانگونه که آلمانها بوجود لاقول یک اپرا در هر شهر از شهر هایشان افتخار می کنند، امریکا نیز به تعداد ارکسترهای خود مفتخر است.

همچنانکه مردانی نظیر «یوجین ارماندی» رهبر ارکستر سنفونیک فیلادلفیا، «جرج سزل» (کلوند) «ویلیام اشتین برگ» (پیتسبورگ)، «جوزف کریس» (بوفالو)، «اریش لاینزدورف» (بوستون) در شهرت ارکسترهای خود مؤثر بوده‌اند، لئونارد برنشتاین ارکستر فیلارمونیک را بمقیاس بیشتری در میان مردم محبوبیت و شهرت بخشیده است در حالیکه تا چندی پیش ارکستر سنفونی فیلادلفیا برای پر کردن سالن به شهرت و محبوبیت بتهوون پناه میبرد و با اجرای آثار او خود را حفظ میکرد، هنگامیکه شخصیتی چون برنشتاین سالیانه بایش از ۱۵۰ میلیون نفر از دوستداران موسیقی، چه در تلویویزن و چه در سالنهای کنسرت روبرو میشود و کهنه و نو را در مقابل

یکدیگر قرار میدهد و نمایشات موزیکالی چون «داستان وست ساید» و «باله فارغ‌البال» را با آنان عرچه میکند چگونه میتوان تأثیری را در خواستها و سنت‌های دیرینه مشتریان کنسر در امریکا انکار کرد.

اولین کتاب او «لذت موسیقی» که در سال ۱۹۵۹ منتشر شد بلافاصله در لیست کتب پرفروش قرار گرفت و در طی سه سال بیش از ۱۰۰/۰۰۰ نسخه آن بفروش رسید. در این کتاب راه‌های تازه‌ای برای شناسائی موسیقی اصیل عرضه شده که تا بحال بیسابقه بوده و با بصیرت بیشتری توأم است. یکی از شخصیت‌های رسمی تلویزیون در باره سخنرانیهای وی راجع به موسیقی برای اطفال چنین میگوید: «رفتارش در مقابل آنان کاملاً طبیعی است، حالت پدرانه بخود نمیگیرد و میتواند برای آنان جالب و دلچسب باشد.»

اما ناگزیر این سؤال پیش می‌آید که «ارزش برنشتاین بعنوان یک آهنگساز تا چه حد است؟» بعنوان رهبر ارکستر دارای مخالفینی است از آن جمله ناقد موسیقی نیویورک تایمز که هر چند بعد از فصل اول کارهای برنشتاین نوشت: «یک چنین هم‌آهنگی و توازن از زمان تو سکائینی تا بحال سابقه نداشته است.» پس از گذشت سه فصل عقیده‌اش اینگونه تغییر کرد: «بسیب روشی که برنشتاین در پیش گرفته از کستر فیلارمونیک تا آن حد که باید توسعه و تکاملی نیافته است.»

ناقد نیویورک هرالد تریبون با اظهار خوشوقتی از غیبت هائمی که برنشتاین ناچاراً داشته است نوشت: «اینک از کستر را زهبری لایق تر هدایت میکند!» شاید علل مخالفت آنان این باشد که اولاً اولین کنسر قبل از آغاز کنسر تو پیانوی برامس با تفسیر «گلن گولد» مصرانه مخالفت کرد ثانیاً چند هفته بعد هنگام اجرای «سان ماتیو» ی باخ دسته کر را بجلوی صحنه آورد و در سپتامبر گذشته بدون توجه در برنامه افتتاحیه فیلارمونیک حال قطعاتی از بتهوون و مالر و طبق عادت همیشگی برنامه‌هایی از و برن، موزار و ریشار اشتراوس ترتیب داد که میبایست با در نظر گرفتن موقعیت‌های جغرافیائی تغییراتی برای آن قائل میشد.

ظاهراً نویسنده هرالد تریبون علاقه‌ای با آثار رمانتیک قرن نوزدهم ندارد و گوشش از اجرای مجدد آثار مالر و بروکنر آزرده شده است. برنشتاین ظاهراً احساس میکند که با دیگران باید مقایسه شود چه

درغیابوی رهبرانی چوی کارایان، میتروپولوس کارل بوم، هانس روزباود، کرییس، سزل، اشتابن برک، باربیرولی، سولتی Solti و رقیب امریکائی جوانش «توماس شیرز» رهبری ارکستر فیلامونیک را بعهده گرفته و متفق القولند که اعضاء ارکستر آگاهانه تعلیم یافته و اکنون قادر باجرای کنسرهای درجه اول می باشند، حال آنکه قبل از برنشتاین چنین نبود.

چند هفته قبل وقتی دکتر بوهم، که همواره نسبت بنوازندگان بی - اعتناست، در پایان یک رهبری ارزنده چندتن اذاعضاء ارکستر را در آغوش گرفت و با آنان دست داد و مسلم شد که برنشتاین در تعلیم ارکستر خود موفق شده است.

اینک «برنشتاین» تلاش میکند تا تصویری را که امریکائیان از وی بعنوان چهره محبوب کنسرها در ذهن دارند پاک نماید چون این درواقع با مقام فعلی وی که رهبری ارکستر ۱۲۰ ساله و درجه اول پایتخت موسیقی امریکا باشد مغایرت دارد. اگرچه اقبال عامه باعث پیشرفت او شده اما اینک بنظر میرسد که برنشتاین عاقبت الامر بشخصیت خود پی برده است.

اکنون بهنگام رهبری ارکستر از چوب رهبری استفاده می کند و در نتیجه از حرکات شدید و هیجان انگیزش کاسته شده. اینها نمودار است از عشق او به موسیقی. حال اگر قدری هشیارانه تر رفتار نماید این عشق دوام بیشتری خواهد داشت.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
ترجمه هوشنگ حسامی
رنال جامع علوم انسانی

